

می‌توانیم لمس کنیم.»

دکتر بی‌پروا پیرامون راه‌کارهایی جلوگیری از نگاه ابزاری به ارزش‌های حقوق بشری اظهار داشت: «وقتی فرهنگ حقوق بشر و مطالبه حق‌های انسانی با توجه به مؤلفه‌های عقیدتی و فرهنگی ارتقا پیدا کند می‌تواند مقابل استفاده ابزاری دولت‌ها از حقوق بشر را بگیرد. اما این یک قسمت قضیه است، قسمت دوم نحوه‌ی مشارکت جهانی است که بتواند این اقدام را بکند که حقوق بشر سلاح نیست. این موضوع به یک اقدام جمعی احتیاج دارد.»

ساختار آمریکا سپاهان را متضرر می‌کند

دکتر حکمت‌نیا در ادامه پیرامون تعهدات نسل اولی ایالات متحده افزود: «در مورد دولت آمریکا این سؤال مطرح است که آیا دولت آمریکا به پلیس آموزش کافی داده است که تساوی را رعایت کند یا نه؟ اشکال بر سر این است که آموزش اجرای حق به نهادهای حقوقی در آموزش، در سلامت، داده نشده است. یعنی جامعه آمریکا به گونه‌ای است که ساختارش موجب می‌شود که سپاه‌پوستان متضرر شوند، نمی‌خواهیم بگوییم به نفع برسند. یک نظریه در اسناد بین‌المللی تحت نظریه ایده، آمده است که می‌گوید دولت‌ها این‌طور نیست که فقط وظیفه دارند در حقوق منفی مداخله نکنند بلکه باید آموزش‌های لازم را هم بدهند که دیگران بر حقوق منفی مداخله نکنند. پس دولت آمریکا تعهد به حق آزادی سپاه‌پوستان را در اینجا رعایت نکرده علی‌رغم اینکه بنا بر اعتقاد خودش تساوی را در حوزه نسل یک قبول دارد.»

راه‌کارهای پیگیری نقض حقوق بشر در ایالات متحده

دکتر نژندی‌منش درباره راه‌کارهایی که شهروندان آمریکا می‌توانند برای جلوگیری از نقض حقوق خود به آن‌ها متوسل شود گفت: «نه تنها در رابطه با آمریکا، در رابطه با شهروندان هر کشور دیگری، به نظرم بهترین سازوکار مطالبه حق‌های بشری، سازوکارهایی است که در نظام حقوق داخلی تعبیر می‌شود. مگر اینکه سازوکارهای داخلی نتوانند یا نخواهند. آن وقت باید به دنبال گام بعدی باشیم که این هم به این راحتی نیست

که بخواهیم بگوییم در سطح داخلی من شهروند نتوانستم حقوق بشر خود را تضمین یا حمایت کنم یا دولت نخواست یا نتوانسته بلافاصله اتوماتیک‌وار وارد پروسه بین‌المللی می‌شود. اینجا باید دید فرضاً دیوان آمریکایی حقوق بشر کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، حق دسترسی شهروندان آمریکایی را برای مراجعه و شکایت از اقدامات دولتشان به این دادگاه و کمیسیون داده یا نه. نکته مهم‌تر دولتی که می‌خواهند از آن شکایت کنند صلاحیت این‌ها را پذیرفته یا نه؟ چون بخش عمده‌ای از حقوق بین‌المللی مبتنی بر توافق دولت‌ها است. باز فراتر از آن در

۹۹ آنچه در آمریکا خوب جواب می‌دهد نقشی است که NGO ها می‌توانند ایفا کنند. اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند توجه دولت‌های دیگر و هم آن ارکان‌های بین‌المللی که در حوزه نظارت بر اجرای حقوق بشر است، جلب کنند. باز خیلی نگاه خوش‌بینانه و آرمان‌گرایانه است که تا چه حد خود این نهادهای بین‌المللی استقلال داشته باشند و توانایی این را داشته باشند که بیابند به طور جدی، کارنامه حقوق بشری آمریکا را نقد کنند جای تردید است. ۶۶

سطح جهانی در کمیته حقوق بشر همین بحث وجود دارد. مثلاً در دیوان بین‌المللی کیفری، آمریکایی‌ها نه تنها مخالف هستند بلکه سر جنگ باز کردند با دیوان، بنابراین در این حوزه‌ها خیلی شانس برای اتباع آمریکایی یا کسانی که قربانی نقض حقوق بشر توسط آمریکا هستند وجود ندارد.»

وی در ادامه اضافه کرد: «آنچه در آمریکا خوب جواب می‌دهد نقشی است که NGO ها می‌توانند ایفا کنند. اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند توجه دولت‌های دیگر و هم آن ارکان‌های بین‌المللی که در حوزه نظارت بر اجرای حقوق بشر است، جلب کنند. باز خیلی نگاه خوش‌بینانه و آرمان‌گرایانه است که تا چه حد خود این نهادهای بین‌المللی استقلال داشته باشند و توانایی این را داشته باشند که بیابند به طور جدی، کارنامه حقوق بشری آمریکا را نقد کنند جای تردید است. آیا مثلاً اگر همین بحث در مورد جمهوری اسلامی ایران بود، شما شاهد چه واکنش‌های عملی و جدی بودید؟ بحث تحریم‌ها گزارشگران ویژه، حتی در مورد برخی کشورها، دادگاه‌های ویژه، کمیسیون تحقیق و مواردی که وجود دارد. اینکه فرض کنید در هر جلسه‌ای این بحث مطرح شود، مجمع عمومی گزارش دهد، قطعنامه صادر کند، کمیته ششم مجمع قطعنامه صادر کند، دبیرکل به همین شکل، شورای امنیت، آیا با همین وضعیت که در مورد آمریکا می‌بینیم این اقدامات صورت می‌گیرد؟ یک بخشی از آن کارهای آکادمیک است که صورت می‌گیرد شاید برگزاری همین نشست‌ها و کارهای آکادمیک بتواند برای افکار عمومی تبیین کند تلقی آمریکا از حقوق بشر و سنجش آن با سنجش‌های حقوق بشری.»

نسبیت‌گرایی در حقوق بشر؛ خوب یا بد؟

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی اضافه کرد: «اگر قرار باشد نسبیت فرهنگی باشد پس چرا به فرهنگ‌های آسیایی و آفریقا ایراد می‌گیرند. طبیعتاً ممکن است بحث‌هایی به صورت فرهنگ در خیلی کشورها وجود داشته باشد ممکن است با چیزی که در اسناد حقوق بشری است در تعارض باشد. قاعده «حسن نیت» به ما گوشزد می‌کند اگر اینجا در آمریکا نسبیت فرهنگی را می‌پذیریم پس باید در رابطه

